

به نام خدا

اعتراض ثالث اجرایی

مؤلف :

مریم عبدالله پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : عبدالله پور، مریم، ۱۳۶۲-
عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
Iran. Laws, etc

عنوان و نام پدیدآور : اعتراض ثالث اجرایی / مولف مریم عبدالله پور.
مشخصات نشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۱۵۰ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۷-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۴۶ - ۱۵۰.

Third parties (Law) -- Iran

موضوع : شخص ثالث (حقوق) -- ایران

رده بندی کنگره : KMHA۷۳/۳

رده بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵۰۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۶۹۹۶۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : اعتراض ثالث اجرایی

مولف : مریم عبدالله پور

ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : زیر جلد

قیمت : ۱۳۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۷-۲

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



Chaponashr.ir

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	فصل اول:
۹.....	تاریخچه، مفاهیم و ماهیت حقوقی اعتراض ثالث اجرایی
۱۰.....	تاریخچه
۱۳.....	مفاهیم
۱۳.....	گفتار اول: مفهوم اعتراض
۱۳.....	گفتار دوم: مفهوم ثالث
۱۴.....	گفتار سوم: مفهوم اجرا
۱۵.....	گفتار چهارم: مفهوم اعتراض ثالث اجرایی
۱۶.....	گفتار پنجم: مفهوم اعتراض ثالث اجرایی ثبتي
۱۸.....	گفتار ششم: مفهوم اعتراض ثالث نسبت به آرای محاکم
۲۰.....	مقایسه اعتراض ثالث اجرایی با اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه
۲۶.....	مبحث چهارم: ماهیت حقوقی اعتراض ثالث اجرایی
۲۷.....	گفتار اول: ماهیت حقوقی اظهار حق ثالث نسبت به مال توقیف شده
۳۰.....	گفتار دوم: ماهیت حقوقی اعتراض ثالث اجرایی
۳۱.....	گفتار سوم: ماهیت حقوقی اعتراض ثالث اجرایی ثبتي
۳۳.....	فصل دوم

- ۳۳.....اعتراض ثالث اجرایی ثبتی
- ۳۴.....اظهار حق ثالث
- ۳۷.....گفتار اول: مقایسه اظهار حق ثالث ثبتی و اظهار حق ثالث اجرایی
- ۳۸.....گفتار دوم: شیوه طرح اظهار حق ثالث ثبتی
- ۴۰.....گفتار سوم: مرجع صالح رسیدگی کننده و ماهیت تصمیم اتخاذی
- ۴۱.....اعتراض ثالث
- ۴۲.....گفتار اول: مقدمات طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ثبتی
- ۴۲.....بند اول: صدور اجرائیه
- ۵۵.....گفتار دوم: شرایط طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ثبتی
- ۵۵.....بند اول: توقیف مال در راستای عملیات اجرایی
- ۵۶.....بند دوم: ادعای ثالث نسبت به مال توقیف شده از سوی شخص ثالث
- ۵۷.....گفتار سوم: مرجع صالح رسیدگی کننده و ماهیت تصمیم اتخاذی
- ۶۰.....گفتار چهارم: قابلیت اعتراض و مرجع تجدیدنظرخواهی
- ۶۶.....گفتار پنجم: زمان طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ثبتی
- ۶۸.....گفتار ششم: مقایسه اعتراض ثالث ثبتی با اعتراض به دستور اجرای سند رسمی
- ۷۱.....فصل سوم
- ۷۱.....اعتراض ثالث اجرایی در مراجع قضایی
- ۷۲.....آرای قابل اعتراض ثالث اجرایی
- ۷۲.....گفتار اول: آراء و تصمیمات دادگاه های حقوقی

- بند اول: احکام..... ۷۳
- بند دوم: قرارها..... ۷۵
- گفتار دوم: تصمیمات و آراء لازم الاجرای دادگاه های کیفری ۸۰
- بند اول: احکام و دستورات صادره از دادگاه های کیفری ۸۰
- گفتار سوم: آراء صادره از سایر مراجع..... ۹۷
- بند اول: تصمیمات و آراء صادره از طرف شوراهای حل اختلاف ۹۷
- بند دوم: آراء صادره از هیات تشخیص و هیات حل اختلاف قانون کار..... ۹۸
- شرایط طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ۱۰۱
- بند اول: صدور رای و تصمیم لازم الاجرا ۱۰۱
- بند دوم: توقیف مال در راستای عملیات اجرایی ۱۰۲
- آیین اعتراض ثالث اجرایی..... ۱۱۱
- گفتار اول: شیوه اظهار حق و طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ۱۱۱
- بند اول: شیوه اظهار حق ثالث نسبت به مال توقیف شده ۱۱۱
- بند دوم: شیوه طرح اعتراض ثالث اجرایی ۱۱۹
- گفتار دوم: مرجع صالح رسیدگی کننده ۱۲۳
- بند اول: مرجع صالح رسیدگی کننده به اظهار حق ثالث اجرایی ۱۲۳
- بند دوم: مرجع صالح رسیدگی کننده به اعتراض ثالث اجرایی ۱۲۴
- گفتار سوم: ماهیت تصمیم اتخاذی ۱۲۷

- گفتار چهارم: قابلیت اعتراض به رای صادره ۱۳۰
- بند دوم: قابلیت شکایت از رای صادره از طریق فوق العاده ۱۳۵
- گفتار پنجم: زمان طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی ۱۳۸
- گفتار ششم: آثار اعتراض ثالث اجرایی ۱۴۰
- نتیجه و پیشنهاد ۱۴۳
- منابع و مأخذ ۱۴۶

مقدمه

اصولاً "هدف از اجرا، چیزی جز احقاق حق محکوم له نیست که این امر با عملیات اجرایی مفاد حکم در خارج عینیت می یابد. منظور از عملیات اجرایی، تمام اقداماتی است که از زمان صدور دستور اجرا، شروع می شود و تا پایان عملیات اجرایی ادامه دارد. بدون تردید، اقدامات اجرایی نباید به شخصی ضرر و زیان برساند. لکن در مواردی اشخاص در اثر سوء نیت یا اشتباه دیگران، در حالی که هیچ گونه تقصیری ندارند متضرر می گردند. قانونگذار برای اشخاص زیان دیده، راهی برای اعتراض و جلوگیری از تضییع حقوقشان پیش بینی نموده است. این اعتراض که در مقررات مختلف، متون حقوقی و نظریه های اعلامی تحت عناوین گوناگون از جمله ((اعتراض ثالث اجرایی))، ((شکایت ثالث اجرایی))، ((اعتراض شخص ثالث نسبت به بازداشت مال))، ((اعتراض به توقیف مال))، ((شکایت از توقیف مال)) و ((شکایت از اجرای حکم)) از آن یاد شده است، در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۸۷ پیش بینی شده است. موضوعاتی از جمله، نحوه طرح دعوی اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث اجرایی ثبتی، مرجع صالح رسیدگی کننده، ماهیت تصمیم اتخاذی قابلیت تجدیدنظر یا عدم تجدیدنظرخواهی رای صادره در ((اعتراض ثالث اجرایی)) دارای ابهام است. در عمل عدم ارائه راه حل اساسی در این زمینه باعث اعمال سلیقه های متفاوت در این خصوص می گردد.

اعتراض ثالث اجرایی یکی از موضوعات مهم، پیچیده، تخصصی و بسیار کاربردی است و مبتلابه کلیه واحدهای اجرایی اعم از اجرای احکام دادگستری یا ثبتی می باشد. لکن دادگاه ها و دوائر اجرای احکام مدنی به علت سکوت و اجمال قانون، گاهی با مشکلاتی در این زمینه مواجه می شوند. لذا تبیین و تشریح اعتراض ثالث اجرایی، امری بسیار ضروری به نظر می رسد. شایان ذکر است در بررسی این موضوع با فقر و کمبود منابع مواجه می باشیم؛ زیرا اصولاً "مباحث مربوط به اجرای احکام مدنی و به ویژه مسائل ثبتی، کمتر به طور دقیق مورد بررسی قرار گرفته است. اعتراض ثالث اجرایی با اصطلاحاتی نظیر شکایت ثالث اجرایی، اعتراض شخص ثالث نسبت به بازداشت مال و اعتراض به توقیف مال بیان می شود ولی دقیق ترین اصطلاح، همان اعتراض ثالث اجرایی است. قسمتی از مقررات اعتراض ثالث اجرایی در قانون اجرای احکام مدنی و قسمتی از مقررات مربوطه به صورت پراکنده در قوانین ثبتی موجود می باشد. مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در مورد اعتراض ثالث اجرایی در دادگاه هاست و آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۷۸ نیز در ماده ۱۶۹، اعتراض ثالث ثبتی را پذیرفته است.

با توجه به وجود نکات مبهم در قوانین و مقررات مربوط به اعتراض ثالث اجرایی و ثبتی از جمله لزوم یا عدم لزوم ابلاغ تصمیم دادگاه به خصوص در اعتراض ثالث اجرایی که خود ناشی از قضایی یا اداری محسوب نمودن تصمیم دادگاه در این مورد است و نیز قابلیت تجدید نظرخواهی از تصمیم دادگاه در خصوص اعتراض ثالث اجرایی و همچنین مرجع رسیدگی به اعتراضات ثبتی اجرایی بر آن شدیم که موضوع اعتراض ثالث اجرایی را بررسی نماییم.

فصل اول:

تاریخچه، مفاهیم و ماهیت حقوقی اعتراض ثالث اجرایی

در این فصل، به بررسی تاریخچه اعتراض ثالث اجرایی در مقررات اجرای احکام مدنی و ثبتی و نیز ارائه تعاریفی از اعتراض ثالث اجرایی در مقررات اجرای احکام مدنی، مقررات ثبتی و اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه و بررسی مقایسه ای دو نهاد حقوقی اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه می پردازیم.

تاریخچه

نخستین قانونی که به طور مشخص اعتراض ثالث اجرایی را مد نظر قرار داده بود، قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ هجری بود که اولین قانون آیین دادرسی مدنی ایران محسوب می گردد. این قانون در باب ششم (مواد ۵۹۹ تا ۷۴۹) تحت عنوان «اجرای احکام محاکم عدلیه» در مواد ۷۲۹ و ۷۳۰، به اعتراض ثالث اجرایی پرداخته بود. ماده ۷۲۹ مقرر می داشت: «شخص ثالث که حقی به ملک توقیف شده دارد یا ملک توقیف شده را مال خود می داند، می تواند برای توقیف مزایده عرض حال به محکمه صلاحیت دارد بدهد. در این مورد شخص ثالث با داین و مدیون احضار می شود و به محکمه که باید مزایده در حوزه آن به عمل آید مراتب اطلاع داده می شود.» و ماده ۷۳۰ مقرر می داشت: «در صورتی که محکمه دلایل شخص ثالث را قوی یافت مزایده را توقیف و مدعی به داین را تا صدور حکم موافق قوانین تامین می نماید، ولی هرگاه حق شخص ثالث راجع به قسمتی از ملک باشد، مزایده سایر قسمت ها توقیف نمی شود.» علی رغم اصلاحاتی که در سال های ۱۳۰۷، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۲ در قانون اصول محاکمات حقوقی صورت گرفت، تا تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ شمسی و پس از آن نیز تا تصویب قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی، ملاک عمل قرار می گرفت. قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ در ماده ۱۸۰، مقررات مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع

محاكمات و ساير قوانيني كه مخالف اين قانون باشد، ملغي ساخت. (مدني، ۱۳۷۸: ۴۱) بنابراین، در حال حاضر، اعتراض ثالث اجرایی در مقررات اجرای احكام مدني و در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ اين قانون، مورد بررسی قرار گرفته است.

پيشينه تاريخي اعتراض ثالث اجرایی ثبتي به سال ۱۳۲۲ باز می گردد، مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمي تا سال ۱۳۲۲ در زمينه اعتراض شخص ثالث و نحوه رسيدگی به آن ناقص بود، در سال ۱۳۲۲ در ذيل ماده ۸ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمي، نحوه و چگونگی اعتراض و شکايت از طرز عمل و عمليات و اقدامات اجرایی و مرجع رسيدگی به آن را به آيين نامه وزارت دادگستری واگذار نمود. وزارت دادگستری نيز نظر به ماده مذکور، در تاريخ ۱۳۲۲/۶/۲۷ با اصلاح و تکميل نظامنامه اجرای مفاد اسناد رسمي لازم الاجرا مورخ ۱۳۱۳/۱/۱۹، آيين نامه ای تحت عنوان ((آيين نامه اجرای مفاد اسناد رسمي لازم الاجرا و رسيدگی به شکايت بر طرز عمل و اقدامات اجرایی)) تصويب و جهت اجرا ابلاغ نمود. اين آيين نامه تا سال ۱۳۵۵ مورد عمل دستگاه های اجرایی ثبت بوده است. در تاريخ ۱۳۵۵/۴/۶ وزارت دادگستری در مقررات آيين نامه موصوف، تغييرات و اصلاحاتی را به عمل آورده و آيين نامه جدیدی با عنوان ((آيين نامه اجرای مفاد اسناد رسمي لازم الاجرا و طرز رسيدگی به شکايت از عمليات اجرایی)) را تصويب و به مرحله اجرا گذاشت. ماده ۲۲۹ آيين نامه مزبور، اعتراض ثالث اجرایی را مد نظر قرار داده بود. ماده مذکور مقرر می داشت: ((عمليات اجرائی بعد از صدور دستور اجراء (موضوع ماده ۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمي، مصوب شهريور ماه ۱۳۲۲) شروع و هر کس (اعم از متعهد سند و هر شخص ذينفع) که از عمليات اجرائی شکايت داشته باشد، می تواند شکايت خود را با ذکر دليل و ارائه مدارک به رئيس ثبت محل تسليم کند و نظر رئيس ثبت به هر حال، برابر مقررات به

اشخاص ذینفع ابلاغ می شود و اشخاص ذینفع اگر شکایتی از تصمیم رئیس ثبت داشته باشند، می توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ شکایت خود را به ثبت محل و یا هیات نظارت صلاحیت دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در هیات نظارت طرح و رسیدگی شود. «آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۱۱ مجدداً مورد اصلاح قرار گرفت و در حال حاضر، ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی با اندکی تغییر نسبت به ماده ۲۲۹ سابق به بحث اعتراض ثالث اجرایی اختصاص دارد در این ماده آمده است: «عملیات اجرایی بعد از صدور دستور اجرا (مهر اجرا شود) شروع و هر کس (اعم از متعهد سند و هر شخص ذینفع) که از عملیات اجرایی شکایت داشته باشد می تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و ارائه مدارک به رئیس ثبت محل تسلیم کند و رئیس ثبت مکلف است فوراً رسیدگی نموده و با ذکر دلیل رای صادر کند. نظر رئیس ثبت به هر حال برابر مقررات به اشخاص ذینفع ابلاغ می شود و اشخاص ذینفع اگر شکایتی از تصمیم رئیس ثبت داشته باشند می توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ شکایت خود را به ثبت محل و یا هیات نظارت صلاحیت دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در هیات نظارت طرح و رسیدگی شود».

در نتیجه، اعتراض ثالث اجرایی، در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار می گیرد.

مفاهیم

در این مبحث، به بررسی عناصر تشکیل دهنده اعتراض ثالث اجرایی از نظر معنی لغوی و اصطلاحی و کاربرد آن و سپس بررسی مفهوم اعتراض ثالث اجرایی، طی دو گفتار جداگانه می پردازیم.

گفتار اول: مفهوم اعتراض

واژه اعتراض از لحاظ لغوی به معنی ((خرده، خرده گرفتن، انگشت برحرف نهادن، ایراد گرفتن، تعرض کردن و واخواست)) (معین، ۱۳۸۲: ۲۴۶) به کار رفته است. همچنین اعتراض کردن را به ((عیب کسی کردن، حجت گرفتن، حرف در کار کسی کردن، ناخن زدن)) (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۴۸۵) نیز معنا کرده اند. معادل انگلیسی اعتراض، **Protest, Objection** (رفیعی، ۱۳۸۸: ۳۵۵ و ۴۱۷) می باشد.

معنای اصطلاحی اعتراض، به معنای لغوی آن نزدیک است. این واژه اصطلاحاً "به معنای انکار قول یا فعل کسی، به کار رفته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۴۷۰) اعتراض ممکن است اعتراض امتناع از قبول یا نکول، اعتراض به ثبت، اعتراض به ثبت اختراع، اعتراض به ثبت علامت، اعتراض به حدود و حقوق، اعتراض به حکم، اعتراض به رای داور، اعتراض طاری، اعتراض عدم تادیه، اعتراض نکول (دولاح، ۱۳۸۶: ۱۶) و همچنین اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث اجرایی ثبتی باشد.

گفتار دوم: مفهوم ثالث

واژه ثالث ((صفت فاعلی از ثلث است که معنای سوم و شخص خارجی می دهد)) (دهخدا، پیشین: ۶۳۷۰) و نیز به معنای شخص سوم در مرافعات و آن که نه مدعی است

و نه مدعی علیه و دعوی ما به الادعا کند آمده است. (معین، پیشین: ۹۲۴) معادل انگلیسی ثالث، Third party (رفیعی، پیشین: ۵۲۴) می باشد.

معنای اصطلاحی ثالث عبارت است از:

الف) طرف عقد نیست و قائم مقام یک از متعاقدين نیست. (ماده ۲۳۱، ۴۸۸ ق.م.)
 ب) طرف عقد نیست، هر چند که قائم مقام یکی از طرفین باشد. (ماده ۳۹۹ ق.م.)
 ج) بیگانه نسبت به امری که دو طرف دارد، مانند ثالث نسبت به متداعیین یک دعوی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۷۸)

برخی در تعریف شخص ثالث آورده اند: ((اشخاص ثالث اشخاصی هستند که اراده ایشان در تشکیل معامله دخالت نداشته است و به علاوه قائم مقام متعاملین نیز نیستند.)) (شهیدی، ۱۳۸۷: ۷۳) همچنین برخی حقوقدانان در تعریف شخص ثالث آورده اند: ((کسی که از دیدگاه حقوق، یکی از دو طرف عقد یا قائم مقام او نیست.)) (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۳)
 در اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث اجرایی ثبتي، مقصود از ثالث، معنای اخیر آن می باشد.

گفتار سوم: مفهوم اجرا

اجرا (به کسر همزه) از نظر لغوی به معنی ((راندن، روا کردن امر، به موقع اجرا گذاشتن، عمل گذاشتن حکمی که قطعیت یافته است)) (معین، پیشین: ۱۱۴ و ۱۱۵) به کار رفته است. معادل انگلیسی اجرا Execute و Effect (رفیعی، پیشین: ۱۷۷ و ۱۹۸) می باشد. در معنای اصطلاحی، به کار بردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه ها و مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را، اجرا می گویند. (جعفری لنگرودی، پیشین: ۹ و ۱۰) واژه اجرا در اصطلاحات اجرای احکام، اجرای اسناد رسمی، اجرای مالیاتی، اجرای موقت، اجراییه، اجراییه دادگاه، اجراییه ثبتي، اجراییه سند ذمه ای، اجراییه سند رهنی، اجراییه

سند شرطی، ورقه اجرایی و ضمانت اجرای اسناد لازم الاجرا، اجرای قرار، اجرای معاینه و تحقیق محلی، اجرای مقررات و اجرای قانون، اجرای رای داور، اجرای مدنی، اجرای کیفری (بهرامی، ۱۳۸۸: ۷) همچنین اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث اجرایی ثبتی به کار رفته است.

گفتار چهارم: مفهوم اعتراض ثالث اجرایی

اعتراض ثالث به دو دسته اعتراض ثالث اجرایی (موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.ا.ا.م) و اعتراض ثالث ثبتی تقسیم می گردد. در این گفتار، به بررسی مفهوم اعتراض ثالث اجرایی در مقررات اجرای احکام مدنی می پردازیم. در تعریف اعتراض ثالث اجرایی گفته شده است: ((هرگاه در حین اجرا یک اجراییه دادگاه، مالی به عنوان مال متعهد یا محکوم علیه یا مدیون توقیف شود و شخص ثالثی، آن را مال خود یا متعلق حق خود دانسته و به عمل اجرا معترض باشد، این اعتراض را، اعتراض ثالث اجرایی می نامند و اختصاص به اموال غیر منقول یا اجرای حکم ندارد بلکه شامل اموال منقول و اجرای قرار هم می باشد)). (جعفری لنگرودی، پیشین: ۶۳) این تعریف ایراد دارد، زیرا اعتراض ثالث اجرایی فقط مربوط به اجرای اجراییه صادره از دادگاه نیست و گاهی در راستای اجرای قرار تامین خواسته نیز مال مدیون، توقیف می شود و ممکن است شخص ثالثی، به این موضوع اعتراض نماید.

برخی دیگر در تعریف اعتراض ثالث اجرایی بیان نموده اند: ((اعتراض شخصی غیر از محکوم له و محکوم علیه دادنامه یا قرار تامین خواسته نسبت به توقیف مال مورد ادعای او را، اعتراض ثالث اجرایی می نامند)). (نصرالهی، ۱۳۸۹: ۱)

این تعریف کامل تر از تعریف قبلی است، زیرا هم شامل اعتراض ثالث در مرحله ی اجرای حکم و هم شامل اعتراض ثالث در مرحله اجرای قرار تامین خواسته، می گردد.

با توجه به مطالب مطروحه، می توان گفت هرگاه در مقام اجرای حکم یا قرار تامین خواسته صادره از مرجع قضایی (دادگاه، شورای حل اختلاف)، مالی به عنوان مال محکوم علیه یا خوانده، توقیف شود و شخص ثالثی نسبت به توقیف آن مال اعتراض داشته باشد، به این اعتراض، اعتراض ثالث اجرایی گفته می شود.

گفتار پنجم: مفهوم اعتراض ثالث اجرایی ثبتی

اعتراض ثالث اجرایی ثبتی عبارت است از شکایت و اعتراض شخص ثالث نسبت به شیوه اجرا و عملیات اجرایی که منتهی به بازداشت اموال می گردد. (کرامت، ۱۳۷۶: ۱۲۱)

شکایت حاصله در اثر اجرای اسناد رسمی یا مربوط به دستور اجرای سند است و یا از عملیات اجرایی، یعنی اقدامات اجرای ثبت یا مامورین اجرا می باشد. (شهری، پیشین: ۳۵۷)

در نوع اول اعتراض (شکایت از دستور اجرای سند)، معترض مدعی است صدور اجراییه خلاف قانون است ولی در نوع دوم اعتراض (شکایت از عملیات اجرایی)، شخص بر صدور اجراییه معترض نیست اما بر نحوه عملکرد مامورین اجرا معترض است. همانطور که در صفحات قبل دیدیم، ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷، اعتراض ثالث ثبتی را پذیرفته است و رسیدگی به آن را در صلاحیت رئیس ثبت محل می داند. البته در ماده ۲۲۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵ نیز به اعتراض ثالث اجرایی ثبتی اشاره شده بود. با توجه به مراتب فوق، در نوع اول اعتراض، که شخص ثالث نسبت به دستور اجرای اسناد رسمی معترض می باشد و نسبت به عملیات و اقدامات اجرایی اعتراضی ندارد، تحت عنوان اعتراض ثالث اجرایی ثبتی

مورد بررسی قرار نمی گیرد. نوع دوم اعتراض که شخص ثالث نسبت به عملیات اجرایی و بازداشت مال معترض است، تحت عنوان اعتراض ثالث اجرایی ثبتی بررسی می شود. بنابراین، اشخاص ثالثی که در حین اجرای اجراییه ثبتی، نسبت به نحوه بازداشت مال یا از عملیات اجرایی انجام شده، معترض هستند و آن را مال خود یا متعلق به حق خود می دانند، می توانند به ثبت محل مراجعه کنند (اسکافی، ۱۳۷۷: ۳۵) و این اعتراض را، اعتراض ثالث اجرایی ثبتی می نامند.

آیین نامه اجرا در ماده ۹۶ خود، اظهار حق ثالث اجرایی ثبتی را نیز مطرح نموده است.^۱ به موجب ماده مذکور هرگاه شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده (اعم از منقول یا غیر منقول) اظهار حقی نماید، در موارد مطروحه از مزایده خودداری می گردد.

آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵، در ماده ۱۰۳ به اظهار حقی ثالث اجرایی ثبتی اشاره نموده بود که ماده مذکور با تغییرات جزئی در تبصره های ذیل آن در ماده ۹۶ آ.ا.م.ا.ر.ل تکرار شده است.

^۱ ماده ۹۶ آ.ا.م.ا.ر.ل مقرر می دارد: «هرگاه شفص ثالث به مال بازداشت شده (اعم از منقول و یا غیر منقول) اظهار حقی نماید در موارد زیر از مزایده خودداری می شود.

۱- در موردی که متعهد له اعتراض شفص ثالث را قبول کند.

۲- در موردی که شفص ثالث سند رسمی مقدم بر تاریخ بازداشت ارائه کند مبنی بر این که مال مورد بازداشت به او منتقل شده و یا رهن یا وثیقه طلب اوست.

۳- در صورتی که مال قبل از تاریخ بازداشت به موجب قرار تامین یا دستور اجرای دادگاه یا اجرای ثبت بابت طلب معترض توقیف شده باشد.

۴- هرگاه شفص ثالث مکم دادگاه اعم از قطعی یا غیر قطعی بر مقانیت خود را ارائه کند.

۵- در صورتی که قبل از معترض قبول تقاضای ثبت به عنوان ملکیت یا وقفیت شده باشد.

۶- در موردی که بر اثر شکایت معترض موضوع قابل طرح در هیات نظارت یا شورای عالی ثبت تشمیص شده باشد و...»

همچنین ماده ۶۶ آ.ا.م.ا.ر.ل^۱ در خصوص اظهار حق شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده در صحنه توقیف است که، مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار آن را قید می نماید.

گفتار ششم: مفهوم اعتراض ثالث نسبت به آرای محاکم

اعتراض شخص ثالث نسبت به آرای صادره از دادگاه، یکی از طرق فوق العاده شکایت از آرای محاکم می باشد، که از سوی قانونگذار در مواد ۴۱۷ به بعد ق.آ.د.م.د.ع.و.ا.پیش بینی شده است. این ماده مقرر می دارد: «اگر در خصوص دعوایی، رای صادره شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد آن شخص یا نماینده ی او در دادرسی که منتهی به رای شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت با آن رای اعتراض نماید». بر طبق مفاد ماده مزبور، هرگاه در دعوایی، حکمی صادر گردد که بر اثر آن به حقوق شخص ثالث، خللی وارد شود و آن شخص یا نماینده وی به عنوان اصحاب دعوا در مرحله دادرسی دخالت نداشته باشد، می تواند به رای صادره، اعتراض نماید. (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۱۴۸) این طریق شکایت تنها طریق شکایت از احکام (اعم از عادی یا فوق العاده) است که برای اشخاص ثالث باز می باشد. اشخاص ثالث حق ندارند سایر طرق شکایت از آرا (واخواهی، تجدید نظر، فرجام و اعاده دادرسی) را، اصالتاً^۲ مطرح نمایند و در مقابل، اصحاب دعوا از حق اعتراض شخص ثالث نسبت به رای که در آن دعوا صادر شده، اصالتاً^۳، بی بهره اند. (شمس، ۱۳۸۵: ۴۹۵) مبنای حقوقی اعتراض ثالث را می توان بر اصل نسبی بودن احکام دادگاه ها دانست. یعنی، احکام صادره از دادگاه نسبت به طرفین و نماینده آنان معتبر است و نسبت به اشخاص ثالث که در دادرسی شرکت نکرده اند، هیچ گونه اثری ندارد و طبق این اصل حکم دادگاه از لحاظ اعتبار مانند قرارداد تلقی می گردد.

^۱ ماده ۶۶ آ.ا.م.ا.ر.ل مقرر می دارد: «هرگاه نسبت به اشیایی که بازداشت می شود اشخاص ثالث اظهار حق نمایند، مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار را قید می کند».

(صدرزاده افشار، ۱۳۸۰: ۲۶۸) همچنین، لازمه‌ی پذیرش دعوی اعتراض ثالث را می‌توان، ذینفع بودن شخص ثالث مطابق قاعده عام مندرج در ماده ۲ ق.آ.د.م.د.ع.و.ا^۱ دانست. (حیاتی، ۱۳۸۰: ۵۷۵)

در تعریف اعتراض ثالث آورده‌اند: ((منظور از دعوای «اعتراض ثالث» آن است که از دادگاهی حکمی صادر شود که موجب اخلال به حقوق شخص ثالثی باشد، به عبارت ساده‌تر موجب تحمیل ضرر و زیان به شخص ثالث گردد به شرطی که این شخص یا نماینده‌ی او در مرحله‌ی دادرسی که منتهی به صدور حکم شده به عنوان اصحاب دعوا، دخالت نداشته باشد، در چنین حالتی شخص موصوف حق دارد نسبت به آن حکم اعتراض کند)). (واحدی، ۱۳۷۸: ۲۵۴)

در مقایسه اعتراض شخص ثالث با سایر شیوه‌های شکایت از آراء، این شیوه شکایت از رای، به واخواهی نزدیک‌تر است:

الف) هر دو نسبت به هر رای صورت می‌گیرند؛ ب) مبنای پذیرش مدعی ثالث و واخواه، عدم حضور آنان در دادرسی می‌باشد. (والغائب علی حجتته)؛ ج) مرجع رسیدگی به هر دو شیوه شکایت، دادگاه صادر کننده رای مورد اعتراض است؛ د) هر دو شکایت از شیوه‌های عدولی شکایت از آراء می‌باشند؛ و تفاوت اعتراض شخص ثالث با فرجام خواهی و اعاده دادرسی در این است که در این شیوه شکایت از رای، موارد و یا جهات اعتراض

^۱ ماده ۲ ق.آ.د.م.د.ع.و.ا مقرر می‌دارد: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی (رسیدگی کند مگر این که شفص یا اشفاص ذینفع یا وکیل یا

قائم مقام یا نماینده‌ی قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند».

تصریح نشده است در حالی که در فرجام خواهی و اعاده دادرسی، قانونگذار موارد و جهات اعتراض را بر شمرده است. (حیاتی، پیشین: ۵۷۳)

اعتراض ثالث خود به دو قسمت اعتراض ثالث اصلی و اعتراض ثالث طاری (غیر اصلی) تقسیم می گردد.^۱ اعتراض ثالث اصلی نسبت به کلیه ی آراء دادگاه ها (عمومی، انقلاب و تجدیدنظر) و همچنین نسبت به رای داور و آراء سایر مراجعی که قانونگذار پیش بینی نموده، امکان پذیر است. (واحدی، ۱۳۷۸: ۲۵۴)

باید توجه نمود اعتراض شخص ثالث نسبت به آراء صادره از دادگاه، با اعتراض ثالث اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.ا.ا.م و اعتراض ثالث اجرایی ثبتی موضوع ماده ۱۶۹ آ.ا.م.ا.ر.ل متفاوت است و باید در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

مقایسه اعتراض ثالث اجرایی با اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه

اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه از جهات زیر شبیه یکدیگر هستند:

۱- وضعیت معترض، در اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه مشابه می باشد. در اقسام اعتراض ثالث (اعم از اعتراض ثالث نسبت به آراء دادگاه، اعتراض ثالث اجرایی در مقررات قانون اجرای احکام مدنی و اعتراض ثالث اجرایی در

ماده ۱۴۱۹ ق.آ.د.م.د.ع.و.ا.م. مقرر می دارد: «اعتراض شفص ثالث بر دو قسم است:

الف- اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتدا از طرف شفص ثالث صورت گرفته باشد.

ب- اعتراض طاری (غیر اصلی) عبارت است از اعتراض یکی از طرفین دعوا به رای که سابقاً در یک دادگاه صادره شده و طرف دیگر برای

اثبات مدعای خود، در اثنای دادرسی آن رای را ابراز نموده است».